

مفهوم اکراه اقتصادی و جایگاه آن در فقه امامیه با مطالعه در اندیشه فقهی امام خمینی (س)

علی انصاری^۱
حجت مبین^۲

چکیده: اکراه یکی از مفاهیم اساسی در حقوق تعهدات است که در سخن از عیوب رضا مطرح می‌گردد. اکراه اقتصادی نوعی از اکراه است که از طریق تهدید به یک صدمه مالی صورت می‌گیرد. اصطلاح «اکراه اقتصادی» مولود حقوق کامن‌لا است؛ زیرا در این نظام حقوقی، اکراه محدود به تهدید فیزیکی است و لذا دادگاههای انگلستان برای اصلاح این مفهوم، نظریه اکراه اقتصادی را ابداع نموده‌اند.

در فقه امامیه و حقوق مدنی ایران، در تعریف اکراه، تهدید به مال نیز به عنوان نوعی از اکراه پذیرفته شده است و لذا در این دو نظام می‌توان اکراه به مال را معادل اکراه اقتصادی دانست. از دیدگاه حضرت امام خمینی اکراه فقدان رضای معاملی است. رضای معاملی مفهومی است که در مقابل ابا و امتناع قرار می‌گیرد و غیر از طیب نفس و رضایت خاطر است. بنابر دیدگاه حضرت امام ملاک ایجاد اکراه این است که تهدید موجب ایجاد عدم امنیت برای مکره شود و احتمال عقلایی مبنی بر وقوع آن وجود داشته باشد. این تهدید حتی می‌تواند ناظر به جلوگیری از حصول منفعتی باشد که عادتاً ایجاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اکراه، اکراه اقتصادی، رضای معاملی، دیدگاه فقهی امام خمینی.

۱. استادیار گروه حقوق و علوم سیاسی و معاون پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم.

e-mail:saba80fr@yahoo.fr

e-mail:hojjat.mobayen@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران.

این مقاله در تاریخ ۱۳۸۷/۱۲/۱۶ دریافت گردید و در تاریخ ۱۳۸۸/۱/۲۳ مورد تأیید قرار گرفت.

مقدمه

مفهوم اکراه یکی از مفاهیم قدیمی در حقوق خصوصی است که از گذشته مورد توجه حقوقدانان در نظامهای مختلف حقوقی بوده است. در حقوق تعهدات آنگاه که سخن از شرایط صحت معاملات به میان می‌آید، یکی از این شرایط، قصد و رضای طرفین است؛ رضایتی که با اکراه یکی از طرفین از بین می‌رود، لذا در برخی نظام حقوقی از اکراه به عنوان یکی از «عیوب رضا» نام برده‌اند. در فقه امامیه نیز در بحث از شروط متعاقدين، برخی از فقها فقدان اکراه را از جمله شرایط متعاقدين دانسته‌اند و برخی دیگر، وجود اکراه را مانع اعتبار قرارداد برشمرده‌اند.

در نگاه اول، آنچه از اکراه به اذهان متبادر می‌شود، استفاده از قهر و غلبه فیزیکی یا به عبارتی تهدید جسمانی است، به گونه‌ای که بسیاری از حقوقدانان و فقها، اجبار را نیز که مرحله‌ای شدیدتر از اکراه و زایل کننده قصد است در کنار اکراه بررسی نموده‌اند.

امروزه تحقق اکراه به معنای تهدید فیزیکی، بسیار به ندرت دیده می‌شود و لذا می‌توان گفت مقررات مربوط به اکراه تا حدود زیادی از مرحله نظری و تئوریک فراتر نمی‌روند. ولی مفهوم دیگری از اکراه یعنی «اکراه اقتصادی» را می‌توان در نظر گرفت که تحقق آن حتی در معاملات مهم و بین‌المللی نیز دور از ذهن نیست.

در این مقاله سعی شده که به بررسی مفهوم اکراه اقتصادی پرداخته شود. از آنجا که اکراه اقتصادی نیز نوعی از اکراه تلقی می‌شود و بدون بررسی مفهوم اکراه، بررسی مفهوم اکراه اقتصادی میسر نمی‌باشد، در این مقاله نخست مفهوم اکراه بررسی شده است و در ادامه، مفهوم اکراه اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به اینکه اکراه اقتصادی اصطلاحی است، که ابتدا در حقوق کامن لا شکل گرفته است، سابقه تاریخی شکل‌گیری این اصطلاح در حقوق انگلستان بررسی شده و تحولات رویه دادگاههای این کشور در خصوص اکراه اقتصادی به طور مختصر مورد مطالعه قرار گرفته است. در نهایت نیز به بررسی جایگاه اکراه اقتصادی در فقه امامیه پرداخته شده و به طور مشخص، آرای حضرت امام خمینی در کتاب *البیع* ایشان، مورد مطالعه قرار گرفته است. لازم است ذکر شود که حضرت امام، در خصوص اکراه دیدگاههای فقهی بدیعی را مطرح نموده‌اند که پذیرش مفهوم اکراه اقتصادی در فقه امامیه را تسهیل می‌کند.

۱) مفهوم اکراه

در این بخش اکراه در معنای لغوی و اصطلاحی آن مورد بررسی و مطالعه قرار خواهد گرفت. همچنین جهت درک صحیح مفهوم اکراه، تفاوت آن با مفاهیم مشابه از جمله اجبار و اضطرار بررسی می‌گردد.

۱-۱) معنای لغوی اکراه

در معنای لغوی اکراه گفته‌اند اکراه عبارت است از «به ناخواست»، «بی میل بودن»، «به ناخواه و ستم بر کاری داشتن»، «کراهیت»، «سماجت» و «به کار خلاف میل واداشتن کسی را» (دهخدا ۱۳۳۸: ۳۱۹۱). بعضی اکراه را «وادار کردن شخصی به انجام یک عمل حقوقی با زور» دانسته‌اند (عمید ۱۳۶۲: ۱۸۲). از نظر برخی دیگر «کسی را برخلاف میل و رضای او به کاری مجبور کردن» اکراه است (جابری عربلو ۱۳۶۲: ۵۶). همچنین «وادار کردن شخصی به امری که راضی به آن امر نیست» را نیز اکراه دانسته‌اند (محمصانی ۱۳۵۷ ج ۲: ۱۱۲).

برخی لغویون اکراه را از ریشه «کُره» و برخی دیگر آن را از ریشه «کَره» می‌دانند (معلوف ۱۹۷۳: ۶۸). اگر اکراه از ریشه «کُره» گرفته شده باشد، به معنی مشقت و سختی است که کسی غیر از انسان بر انسان روا می‌دارد. به چنین فردی «مکره» می‌گویند؛ مانند اینکه مریضی داروی تلخی را به خاطر مرضی که بر او عارض شده بنوشد.

۱-۲) معنای اصطلاحی اکراه

در قانون مدنی ایران اکراه تعریف نشده است، لکن با توجه به مواد ۲۰۹-۱۹۹ و مواد دیگر قانون مدنی می‌توان گفت هر موقع که آزادی اراده طرفین به عنوان یکی از ارکان اصلی در اعمال حقوقی مورد تهدید واقع گردیده، قانونگذار به چنین عملی که ناشی از اراده مرعوب بوده، اثر قانونی نبخشیده است و حسب مورد آن را غیر نافذ (در اکراه) یا باطل (در اجبار) دانسته است.

بیشتر تعاریفی که در حقوق ایران از اکراه ارائه شده است، مبتنی بر دیدگاههای فقهای امامیه است. برخی حقوقدانان در تعریف اکراه چنین گفته‌اند: «اکراه عبارت است از فشار مادی یا معنوی نامشروعی که به وسیله کسی بر طرف قرارداد وارد گردد تا او را وادار به عقد کند» (امامی ۱۳۷۲ ج ۱: ۱۹۱). برخی دیگر از حقوقدانان با محدود نمودن اکراه به اکراه در اعمال حقوقی

آن را چنین تعریف کرده‌اند: «اکراه عبارت است از فشار مادی یا معنوی نامشروعی که به وسیله کسی بر طرف قرارداد وارد گردد تا او را وادار به عقد قرارداد کند» (صفایی ۱۳۷۰ ج ۱: ۵۰). برخی دیگر از حقوقدانان غیرعادی بودن فشار را ضروری می‌دانند و عقیده دارند «اکراه فشار غیرعادی نامشروعی است که به منظور وادار ساختن شخص بر انشاء عمل حقوقی معین بر او وارد می‌شود» (کاتوزیان ۱۳۷۳ ج ۱: ۵۱۱). وجه مشترک این تعاریف این است که در اکراه بایستی فشاری مادی یا معنوی وجود داشته باشد. لذا بیشتر مباحثی که حقوقدانان در بیان اوصاف اکراه بیان نموده‌اند، مبتنی بر بیان اوصاف و ویژگیهای فشار نامشروعی است که به واسطه آن اکراه صورت می‌گیرد. دسته‌ای دیگر از حقوقدانان با بسط تعاریف یاد شده و بیان برخی از ویژگیهای فشار مورد نظر، اکراه را اینگونه تعریف کرده‌اند:

اکراه عبارت است از اینکه یک طرف عقد یا شخص ثالثی، عاقد را وادار کند که تهدید اکراه‌کننده را از جهت بیم واقع ساختن خطر مهم و قریب الوقوعی را نسبت به خود یا یکی از اقارب صعودی یا نزولی یا همسرش باور کند. خواه تهدید به هیأت یکی از آنها باشد یا تهدید به عرض یا مال آنان (جعفری لنگرودی ۱۳۷۲ ج ۱: ۲۶۰).

در حقوق فرانسه نیز اکراه را «ترس به وجود آمده در یکی از طرفین قرارداد برای وادار نمودن او به انجام عملی» دانسته‌اند (Fontaine 1996: 405).

فقه‌های امامیه نیز در بیان شروط متعاقدين، «فقدان اکراه» را از جمله لوازم اختیار و از شروط متعاقدين معرفی کرده‌اند (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲: ۷۶). برخی فقها حقیقت اکراه را لغتاً و عرفاً «حمل الغیر علی ما یکرهه» (انصاری ۱۴۲۰ ج ۳: ۳۱۱) یعنی وادار کردن شخص به چیزی که از آن کراهت دارد، تعریف نموده‌اند. لزوم وجود کراهت در اکراه از سوی برخی دیگر از فقها نیز مورد تأیید قرار گرفته است. ایشان عقیده دارند «اکراه در مقابل اختیار عبارت است از قصد به مضمون عقد از روی کراهت و عدم طیب نفس» (تبریزی بی تاج ۲: ۲۲۸) و برخی دیگر نیز بیان داشته‌اند که «مکره نسبت به لفظ قاصد است و قصد وقوع مدلول عقد در خارج را نیز دارد، و تنها مشکل این است که عقد از روی رضا، واقع نشده است» (نائینی ۱۴۱۸ ج ۱: ۳۸۰). در حقوق فرانسه نیز برخی حقوقدانان، برخلاف رضایت بودن عمل را از جمله شرایط اکراه دانسته‌اند (Ripert 1957: 190).

تعریف مرحوم شیخ انصاری از سوی امام خمینی مورد اشکال واقع شده است. امام بر این تعریف ایراد کرده‌اند که حتماً لازم نیست که شخص مکره نسبت به آنچه به آن وادار می‌شود، کراهت داشته باشد. ملاک آن است که وادار کردن فرد، همان گونه که در معنای لغوی اکراه هم وجود دارد، همراه با قهر و غلبه باشد و فرقی نمی‌کند که شخص مکره نسبت به آن امر کراهت داشته باشد یا خیر؛ لذا ایشان اکراه را «حمل الغیر علی شیء قهراً» تعریف نموده‌اند (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲: ۸۳).

به عقیده مرحوم امام^(س) اراده انسان ممکن است به مکروهات یا اموری که به آنها مشتاق و راغب است، تعلق گیرد. ممکن است فردی به واسطه ترجیحات عقلی به امری علاقمند باشد، ولی اراده وی به آن امر تعلق نگیرد، بلکه از جهت ارادی بخواهد آن را ترک نماید. بنابراین در چنین حالتی اگر فرد به آن امر اکراه شود، اکراه تحقق می‌یابد، بی‌آنکه آن فرد کراهتی نسبت به آن امر داشته باشد (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲: ۸۳). به عنوان مثال ممکن است، فردی نسبت به انعقاد عقدی راغب باشد، ولی به هر دلیل تصمیم به ترک آن بگیرد، در چنین حالتی اگر او را تهدید نمایند که بایستی این عقد را منعقد نماید، اکراه واقع شده است، بی‌آنکه کراهتی در میان باشد.

در مجموع به نظر می‌رسد که اکراه در مقابل اختیار به کار رفته است و صرف فقدان یا مخدوش بودن اراده برای تحقق اکراه کفایت می‌نماید و ضرورتی ندارد که نسبت به آن امر کراهتی وجود داشته باشد. غیرنافذ بودن عقد اکراهی نیز خود دلالت بر این امر دارد که ممکن است، مکره نسبت به آن امر راغب باشد و حاضر باشد، پس از زوال اکراه آن را تنفیذ نماید. در تعریف اکراه به همین جا بسنده می‌کنیم؛ در ادامه پس از بررسی تفاوت اکراه با سایر مفاهیم مشابه، به بحث اصلی این مقاله یعنی «مفهوم اکراه اقتصادی» خواهیم پرداخت.

۳-۱) تفاوت اکراه با سایر مفاهیم مشابه

در بررسی مفهوم اکراه دو مفهوم مشابه اجبار و اضطراب نیز قابل توجه است، به گونه‌ای که در پاره‌ای موارد تمیز اکراه از این دو مفهوم دشوار می‌نماید. در این میان بررسی مفهوم اضطراب اهمیت ویژه‌ای دارد، به ویژه اینکه مفهوم اکراه اقتصادی می‌تواند در مواردی به اضطراب بسیار نزدیک شود. به عقیده حقوقدانان:

اضطرار حالتی است که آن تهدید وجود ندارد، ولی اوضاع و احوال برای انجام یک عمل طوری است که انسان با وجود عدم رضایت و تمایل به آن کار، سابقه آن اوضاع و احوال، آن کار را علیرغم میل باطنی خود ولی از روی قصد و رضای خاصی (که آن را در حقوق مدنی، رضای معاملی می‌نامند) آن معامله یا آن کار را انجام می‌دهد (جعفری لنگرودی: ۱۳۷۲: ۵۶).

مهم‌ترین وجه تمایز اضطرار از اکراه این است که در اکراه تهدید بیرونی وجود دارد، ولی در اضطرار به دلیل وضعیت و حالت پیش آمده شخص در معرض یک فشار درونی قرار می‌گیرد. (امامی ۱۳۷۲ ج ۱: ۱۹۴). به این نکته نیز باید توجه نمود که:

اگر فشار و تهدید به وسیله شخص، به هدفی غیر از وادار کردن دیگری به تشکیل معامله، به او وارد گردد، ولی او برای پرهیز از اثر تهدید، ناگزیر از تشکیل معامله شود، مانند اینکه شخصی با تهدید از دیگری مطالبه وجه کند و تهدید شونده برای اجابت درخواست تهدید کننده، اتومبیل را بفروشد، این معامله نیز اضطراری است نه اکراهی؛ زیرا هدف مستقیم تهدید کننده در تهدید، فروش اتومبیل تهدید شونده نمی‌باشد، بلکه گرفتن مقداری پول است که برای تهدید کننده تفاوت نمی‌کند از راه فروش اتومبیل یا به وسیله دیگری فراهم گردد (شهیدی ۱۳۷۷ ج ۱: ۱۹۴).

هر چند که برخی فقها عقیده دارند، با فرض اینکه تنها راه فراهم آوردن وجه مورد تقاضای تهدید کننده فروش مال معینی باشد، و تهدید کننده هم نسبت به این امر آگاه باشد، می‌توان به دلیل پذیرش عرف، آن را در شمول اکراه قرار داد (نراقی ۱۴۱۸ ج ۱۴: ۲۷۰).

تفاوت قابل توجه دیگر بین اکراه و اضطرار این است که در اضطرار لزوماً نوعی عدم رضایت و بی میلی وجود دارد، ولی در اکراه چنانکه پیش تر هم بیان شد، الزاماً عدم رضایت وجود ندارد، هر چند که نظر مخالف هم وجود دارد. در نتیجه چنانکه برخی فقها نیز بیان داشته‌اند، رابطه اکراه و اضطرار از نوع تباین است و مصداق مشترکی بین این دو مفهوم وجود ندارد (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲: ۹۱).

در بیان تفاوت اجبار و اکراه نیز بایستی به این نکته توجه کرد که «اجبار این است که کسی، دیگری را وادار کند بدون اختیار عملی را انجام دهد یا ترک کند» (گرجی ۱۳۵۸: ۱۲۲). بنابراین

مهم‌ترین وجه تمایز اجبار و اکراه این است که در اجبار قصد معاملی از بین می‌رود، ولی در اکراه قصد وجود دارد ولی رضای معاملی مخدوش است. به همین سبب است که معامله همراه با اجبار به دلیل فقدان قصد باطل است، ولی معامله مکره غیر نافذ است. البته بایستی به این نکته توجه کرد که اصطلاح اجبار در قانون مدنی به کار نرفته و این مفهوم به عنوان درجه‌ای از اکراه تلقی شده که به دلیل فقدان قصد، معامله باطل است.

ماده ۱۰۷۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «رضای زوجین شرط نفوذ عقد است و هرگاه مکره بعد از زوال گره عقد را اجازه کند، نافذ است مگر اینکه اکراه به درجه‌ای بوده که عاقد فاقد قصد باشد». به عبارت دیگر، قسمت پایانی ماده در مورد اجبار سخن می‌گوید و حکم عقد اجباری را بطلان دانسته است. برخی فقها سه مرحله از قصد را برای متعاملین ضروری دانسته‌اند: قصد لفظ، قصد معنا و قصد انشا (کوه کمری ۱۴۰۹: ۲۳۱). تهدیدی که موجب از بین رفتن هر یک از این سه مرحله گردد، موجب تحقق اجبار و بطلان قرارداد می‌گردد.

۲) مفهوم اکراه اقتصادی

در بررسی مفهوم اکراه اقتصادی ابتدا اکراه اقتصادی تعریف خواهد شد. از آنجا که مفهوم اکراه اقتصادی، در ابتدا، در حقوق کامن لا شکل گرفته است، سابقه این مفهوم را در حقوق کامن لا بررسی نموده و در قسمت سوم شرایط تحقق اکراه اقتصادی را مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

۲-۱) تعریف اکراه اقتصادی

در تعریف اکراه اقتصادی گفته‌اند که «اکراه اقتصادی در واقع یک اجبار نامشروع برای انجام دادن عملی به وسیله تهدید به صدمه مالی می‌باشد، به گونه‌ای که شخص نمی‌تواند اراده آزاد خود را اعمال کند» (Garner 2000: 212). به عبارت دیگر، در اکراه اقتصادی موضوع تهدید اموال و کالاهای اشخاص است نه خود شخص (حسن‌زاده ۱۳۸۵: ۷۴). به عقیده برخی حقوقدانان انگلیسی «در اکراه اقتصادی، اگر شخص مکره قرارداد پیشنهادی را منعقد ننماید، به طور غیر قانونی به ضرر شدید اقتصادی تهدید می‌شود» (Frey 2001: 168).

در میان تعاریفی که در بخش قبل از اکراه بیان شد، برخی اکراه اقتصادی را نیز در بر می‌گیرد و برخی منصرف از این مفهوم است. برخی حقوقدانان در تعریف اکراه، تهدید به مال را

نیز در تعریف اکراه گنجانده‌اند. مثلاً برخی عقیده دارند «اکراه یعنی وادار کردن دیگری بر عمل یا ترک عملی که از آن کراهت دارد به شرط آنکه این وادار کردن با تهدید جانی یا عرفی یا مالی مهم از جانب مکره توأم باشد» (گرچی ۱۳۵۸: ۱۲۳). برخی دیگر عقیده دارند «اکراه عبارت است از فشار مادی یا معنوی نامشروعی بر شخص، به واسطه تهدید به جان، مال، عرض وی یا نزدیکانش، تا آنکه او را علی‌رغم میل باطنی‌اش وادار به انشای یک عمل حقوقی معین نماید» (انصاری ۱۳۷۸: ۵). قانون مدنی ایران نیز در ماده ۲۰۲، با اشاره به اینکه اکراه می‌تواند با تهدید به مال حاصل شود، اکراه اقتصادی را پذیرفته است.

۲-۲) اکراه اقتصادی در حقوق کامن لا

زمانی مفهوم اکراه کامن لا یک مفهوم خیلی مضیق بود و به خشونت فیزیکی واقعی یا تهدید به خشونت فیزیکی واقعی یا توقیف غیر قانونی نسبت به شخص طرف قرارداد محدود بود. ولی رفته رفته این اندیشه دچار تحول شد و مفهومی تحت عنوان اکراه اقتصادی در حقوق انگلستان شکل گرفت.

اکراه اقتصادی برای اولین بار به صورت رسمی در پرونده Accidental World Wide Investment Corporation Skibs^۱ مورد توجه قرار گرفت. در این دعوی در پی یک نزول جهانی که در صنعت کشتی‌رانی به وجود آمده بود و نرخهای اجاره کشتی کاهش یافته بود، اجاره کنندگان کشتی با علم به اینکه در صورتی که این قرارداد انجام نشود، مالکان کشتی به شدت دچار زیان خواهند شد و ورشکسته می‌شوند، دوباره با مالکین وارد مذاکره شدند و قرارداد را با قیمت کمتری منعقد کردند. مالکین کشتی پس از مدتی قرارداد را فسخ کرده و در پی آن مستأجرین کشتی، به دلیل فسخ غیرقانونی قرارداد، اقامه دعوی نمودند.

اگرچه، چنانکه بیان خواهد شد، ادعای اکراه در این دعوی، مورد پذیرش دادگاه قرار نگرفت، ولی قاضی کر (Keir) در این پرونده، نظریه قدیمی را که اکراه صرفاً بر تهدید به خشونت فیزیکی مبتنی بود، رد کرد و بیان داشت که فکر نمی‌کنم که حقوق انگلستان چنین محدود باشد،... برای مثال در جایی که شخصی برای انعقاد قرارداد با عوض سمبولیک و نه یک عوض

1. Accidental World Wide Investment Corporation Skibs V. Avanti the Siboen and the Sibotre

قانوناً کافی، بر اساس تهدید قریب الوقوع به سوزاندن خانه او یا پاره کردن یک عکس ارزشمند الزام شده باشد، اکراه محقق شده است، حتی اگر هیچ گونه تهدید و خشونت فیزیکی در بین نباشد. دیدگاههای قاضی کر در پرونده‌های بعدی نیز مورد قبول واقع شد، به گونه‌ای که امروزه این مسأله در حقوق کامن لا مطرح نیست که چیزی که تهدید می‌شود، جان است یا مال، بلکه مهم این است که اثر تهدید بایستی به اجبار اراده که رضایت را از بین می‌برد، منجر شود (Richards 1999:208).

به عنوان مثال در پرونده The Universe Sentinel، اتحادیه تجاری، کارکنان کشتی را به نقض قرارداد استخدامیشان وادار کرد تا از این طریق از حرکت کشتی جلوگیری کند و مالکان کشتی را برای پرداخت مبالغی به اتحادیه تحت فشار قرار دهد. با توجه به نتایج فاجعه آمیزی که مالکان کشتی در اثر اعمال این تهدیدات تحمل می‌کردند، دادگاه رأی داد که اکراه اقتصادی محقق شده است و توافق برای پرداختهای خاص به اتحادیه را از بین می‌برد (Treitel 1995: 374-375). این تصمیم در مجلس اعیان انگلستان مورد تأیید قرار گرفت که مؤید پذیرش «اکراه اقتصادی» در حقوق انگلستان است (Kennan 2000: 133).

۲-۳) شرایط تحقق اکراه اقتصادی

بر اساس دیدگاههای حقوقدانان برای تحقق اکراه اقتصادی دو شرط لازم است: نخست اینکه تهدید صورت گرفته نامشروع و غیر قانونی باشد و دوم اینکه اکراه باید به گونه‌ای باشد که مانع اعمال اراده آزادانه طرف قرارداد گردد. در اینجا این دو شرط را بررسی می‌کنیم.

۲-۳-۱) نامشروع بودن تهدید

لزوم نامشروع بودن تهدید اقتصادی در پرونده‌های مختلف مورد توجه قضات انگلیسی قرار گرفته است. به عنوان نمونه در پرونده The Universe Sentinel قاضی لرد اسکارمن^۱ و لرد دیپلاک^۲ هر دو در مورد این نکته توافق داشتند که اکراه اقتصادی در جایی می‌تواند واقع شود که فشار استفاده در آن، یک فشار نامشروع بوده باشد. البته بدیهی است که ارزیابی چنین امری برای طرف مقابل یا دادگاه چندان آسان نمی‌باشد (Richards 1999: 210). همچنین، در پرونده Total Oil Great

1 .Scarman
2 . Diplak

Britain Ltd^۱ دادگاه پژوهش بیان داشت در جایی که تهدید توسط حقوق مشروع انجام شود، هیچ اکراهی واقع نمی‌شود.

البته امروزه این دیدگاه توسط دادگاه عالی انگلستان تعدیل شده است. به عنوان مثال در پرونده^۲ CTN دادگاه پژوهش تأیید کرد که عمل مشروع توأم با تقاضا برای پرداخت هم می‌تواند منجر به اکراه اقتصادی شود. البته تهدید مشروع، تنها همراه با سوء نیت و بیان یک تقاضای نامشروع می‌تواند اکراه تلقی شود. به عبارت دیگر، اگر طرفی که به یک امر مشروع تهدید می‌کند، با حسن نیت اعتقاد داشته باشد که تقاضایش معتبر و مشروع است، اکراه واقع نمی‌شود (Richards 1999: 210).

در حقوق انگلستان تهدید به نقض قرارداد نیز می‌تواند به اکراه منجر شود. در پرونده‌های متعددی قضات دادگاههای انگلستان رأی دادند که در پرونده‌هایی که یک طرف مجبور می‌شود تا قرارداد را به وسیله تهدید به نقض قرارداد پیشین منعقد نماید، چنین تهدیدی می‌تواند به اکراه اقتصادی منجر شود. به عنوان نمونه در پرونده^۳ Victor Gleen Oublications Ltd پیمانکاری که تعهد نموده بود غرفه‌هایی را برای برگزاری یک نمایشگاه نصب کند، کمتر از یک هفته قبل از بازگشایی نمایشگاه، تهدید کرد که اگر کارفرما مبلغ بیشتری را پرداخت نکند، تعهدات قراردادی خود را نقض خواهد نمود. نتیجه عدم نصب غرفه‌ها در موعد مقرر برای کارفرما فاجعه آمیز بود و می‌توانست خسارات شدیدی را به وی وارد کند. در چنین شرایطی کارفرما که پرداخت مبلغ اضافی را پذیرفته بود، ادعای اکراه نمود و دادگاه نیز این ادعا را پذیرفت و رأی داد که کارفرما مستحق است، مبالغ اضافی را مسترد نماید (Treitel 1995: 375). البته باید به خاطر داشت که هر نوع تهدید به نقض قرارداد نمی‌تواند اکراه تلقی شود.

۲-۳-۲) مخدوش نمودن رضایت آزادانه طرف قرارداد

در اولین تعریفی که در پرونده^۱ The Siboen and the Sibotre از سوی قاضی کر در خصوص اکراه اقتصادی مطرح گردید، وی این نکته را مورد تأکید قرار داد که بایستی چنان درجه‌ای از اجبار اراده وجود داشته باشد که طرف دیگر از رضایت آزادانه خود محروم شود. وی برای احراز

1. Total Oil Great Britain Ltd. V. Alec Lobb Garages

2. CTN Cash and Carry Ltd. V. Gallaher Ltd.

3. Victor Gleen Oublications Ltd. V. B&S Contracts and Designs Ltd.

این شرط دو معیار را ارائه کرد: نخست اینکه آیا زیان دیده (مکره) در زمان انعقاد قرارداد اعتراض کرده است و دوم اینکه آیا زیان دیده معامله را تمام شده تلقی کرده یا قصد بر هم زدن قرارداد را داشته است (Richards 1999: 208). به عقیده قاضی کر:

دادگاه باید در هر پرونده حداقل توجیه شود که رضایت طرف دیگر به وسیله اکراه مغلوب شده، به طوری که او را از قصد و اراده قراردادی محروم نموده است... یک عامل که باید در نظر گرفته شود این است که طرفی که به اکراه استناد می‌کند، آیا در زمان اعمال اکراه یا مدتی پس از آن، اعتراض داشته است یا خیر. عامل دیگر اینکه آیا او توافق‌نامه را به عنوان یک معامله منعقد شده تلقی نموده و خود را متعهد کرده یا اینکه او این امر را بیان نموده که وضعیت هنوز مفتوح است (Richards 1999: 208).

به سبب فقدان همین شرط بود که قاضی کر در پرونده مورد نظر، اکراه را رد نمود، زیرا مالکین کشتی هیچ گونه اعتراضی درباره انعقاد قرارداد نداشتند و توافق را چنان قلمداد نموده بودند که برای آنها الزام آور است. لذا علیرغم اینکه فشار اقتصادی مهمی وجود داشت، ولی از آنجا که این فشار سبب از بین رفتن اراده آزادانه طرف قرارداد نشده بود و نهایتاً آنان اعتراضی به قرارداد موجود نداشتند، دفاع اکراه مطرح شده از جانب مالکان مورد تأیید قاضی کر قرار نگرفت (Richards 1999: 209).

در پرونده ^۱ The North Ocean Shipping Co. Ltd نیز همین دو معیار ارائه شده از سوی قاضی کر مورد توجه قرار گرفت. قاضی موکاتا^۲ در این پرونده نظر داد که اگرچه در این پرونده اکراه اقتصادی رخ داده است، ولی خواهانها نمی‌توانند قرارداد را فسخ کنند، زیرا تأخیر خواهانها در فسخ قرارداد و استرداد پولهای اضافی پرداخت شده به تأیید نهایی قرارداد منتهی می‌شود، حتی اگر آنها فی‌نفسه قصد تأیید قرارداد را نداشته باشند (Richards 1999: 209).

در پرونده ^۳ Lau Yiu Long نیز قاضی اسکارمن بیان داشت در اکراه اقتصادی چیزی مخالف با اصل وجود ندارد، زیرا در اکراه اقتصادی، بایستی اکراه به اجبار اراده منتهی شود که رضایت را نابود می‌سازد و بایستی اثبات شود که پرداخت انجام شده برای قرارداد منعقد شده، یک عمل ارادی نبوده است. (Richards 1999: 209).

1 . The North Ocean Shipping Co. Ltd V. Hyundai Construction Co. Ltd. The Atlantic baron

2 . Mocatta

3 . Lau Yiu Long V. Pao on

۳) اکراه اقتصادی در فقه امامیه با تأکید بر اندیشه فقهی امام خمینی

چنانکه در مقدمه هم بیان شد، در این مقاله آرای فقهای امامیه بر اساس آرای مرحوم امام خمینی در کتاب *البیع* مورد مطالعه قرار می‌گیرد که البته به مناسبت از آرای فقهای دیگر نیز استفاده خواهیم کرد.

۳-۱) پذیرش اکراه اقتصادی در فقه امامیه

به عقیده فقهای امامیه در اکراه تفاوتی نمی‌کند که تهدید به قتل باشد یا جرح و یا اخذ مال، و در خصوص این موارد، همه افراد علی‌السویه می‌باشند. به عبارت دیگر، تهدید هر فردی نسبت به این سه مورد می‌تواند از مصادیق اکراه تلقی شود؛ ولی در خصوص مواردی مثل ضرب و شتم و حبس، بایستی وضعیت فرد تهدید شده و میزان تأثیر تهدید در وی را مورد توجه قرار داد (شهید ثانی ۱۴۱۰: ۲۰؛ ۱۴۱۴ ج ۳: ۱۵۶؛ علامه حلی بی‌تا: ۵۱). مرحوم شیخ انصاری نیز یکی از شرایط اکراه را مضر بودن به حال مکره می‌دانند، که ممکن است، این زیان، نسبت به جان، مال یا عرض مکره و یا حتی وابستگی وی باشد (انصاری ۱۴۲۰ ج ۳: ۳۱۱). قانون مدنی ایران هم در ماده ۲۰۲ مقرر می‌دارد:

اکراه به اعمالی حاصل می‌شود که مؤثر در شخص با شعوری بوده و او را نسبت به جان یا مال یا آبروی خود تهدید کند به نحوی که عادتاً قابل تحمل نباشد. در مورد اعمال اکراه آمیز سن و شخصیت و اخلاق و مرد یا زن بودن شخص باید در نظر گرفته شود.

بنابراین با گنجاندن اکراه به مال در تعریف اکراه، قانون مدنی اکراه اقتصادی را مورد پذیرش قرار داده است. البته قانون مدنی، مقررات خاصی را برای اکراه اقتصادی در نظر نگرفته است، و مقررات ناظر بر اکراه اقتصادی را نیز همان مقررات عمومی اکراه دانسته است.

بنابر آنچه پیش‌تر گفته شد حقوقدانان اکراه اقتصادی را تهدید به ایراد یک صدمه مالی دانسته‌اند. لذا می‌توان گفت برخلاف حقوق کامن‌لا که مفهوم اکراه صرفاً مبتنی بر تهدید فیزیکی است، در فقه امامیه و حقوق ایران با گنجاندن «اکراه بالمال» در تعریف ارائه شده از سوی فقها و بیشتر حقوقدانان، اکراه به گونه‌ای تعریف شده که اکراه اقتصادی را نیز در بر می‌گیرد. لذا فقدان اصطلاح اکراه اقتصادی در متون فقهی و قانونی ما به معنای عدم پذیرش این مفهوم در فقه نیست.

یکی از نکات قابل توجه در آرای فقهی حضرت امام این است که ایشان اکراه را به معنای فقدان رضای معاملی می‌دانند. پیش‌تر هم بیان شد که یکی از آرای مهم امام در باب اکراه، شرط ندانستن وجود کراهت در اکراه است، که در تعریف امام از اکراه نیز منعکس شده و در جای خود از آن بحث به میان آمد. حضرت امام عقیده دارند که در عقد اکراهی، وجود تهدید سبب می‌شود که «رضای معاملی» از بین برود. به عبارت دیگر، مشخصه مهم اکراه که آن را از سایر مفاهیم از جمله اضطرار، متمایز می‌سازد، فقدان رضای معاملی در اکراه است.

رضای معاملی مفهومی غیر از قصد و طیب خاطر است. قصد از صفات نفس فعلی و رضا از صفات نفس انفعالی است. طیب خاطر هم نوعی گرایش و میل باطنی است، حال آنکه رضا در مقابل امتناع و خودداری قرار می‌گیرد، چه این امتناع ناشی از مقاصد فرد باشد یا ناشی از الزام و اکراه مکره. (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲: ۱۱۰) بر اساس دیدگاه حضرت امام رابطه رضای معاملی با طیب نفس از نوع عموم و خصوص من وجه است. در بسیاری از موارد مثل معامله مضطر، رضای معاملی وجود دارد، در حالی که طیب نفس وجود ندارد، و در برخی موارد هم مثل اکراه فرد به معامله‌ای که به آن راغب است، طیب نفس وجود دارد، حال آنکه رضای معاملی مخدوش است.

هرچند برخی فقها در پاره‌ای موارد طیب نفس را به معنای رضای معاملی به کار برده‌اند. مثلاً شیخ انصاری در مکاسب بیان می‌کند:

نتیجه اینکه انسان در بسیاری از موارد برای دفع ضرر اقدام به انجام معامله می‌نماید، ولی در انجام فعل خود مستقلانه و با اختیار عمل می‌کند و به نوعی طیب خاطر دارد، هرچند که انجام معامله برای علاج ضرر است ولی در معامله اکراهی انجام معامله برای دفع ضرری است که مکره به وارد نمودن آن تهدید نموده است و در این حالت انجام معامله از روی طیب نفس نیست (انصاری ۱۴۲۰ ج ۳: ۳۱۲).

به عبارت دیگر، در اینجا رضا به معنای رضایت عرفی و اشتیاق به انجام معامله نیست، چه اینکه انسان در بسیاری از موارد برای دفع برخی ضررها و یا جلب برخی مصالح به انجام اعمالی دست می‌زند که نسبت به آنها کراهت دارد، و در مورد مکره نیز وی برای رهایی از تهدیدی که نسبت به او انجام شده است، حتی در برخی موارد با طیب خاطر، ولی بدون رضایت نسبت به انجام معامله اقدام می‌نماید (خمینی ۱۴۱۸ ج ۱: ۳۲۴).

بنابراین در نظر امام خمینی آنچه در بیان مفهوم اکراه و اکراه اقتصادی اهمیت دارد، از بین رفتن رضای معاملی است، نه طیب نفس.

۳-۲) شرایط تحقق اکراه اقتصادی در فقه امامیه

چنانکه بیان شد، فقهای امامیه مبحث خاصی را تحت عنوان اکراه اقتصادی بیان ننموده‌اند، لذا برای بررسی شرایط اکراه اقتصادی بایستی شرایط عمومی اکراه را با در نظر گرفتن شرایط خاص اکراه اقتصادی مورد توجه قرار داد.

با توجه به شرایطی که پیش از این برای اکراه اقتصادی برشمردیم، در اینجا نیز سعی داریم همان شرایط را از دیدگاه فقهی حضرت امام مورد بررسی قرار دهیم. فقهای امامیه نیز عقیده دارند که تهدید در صورتی می‌تواند منجر به تحقق اکراه شود که در شخص مقابل اثر بگذارد و اراده وی را تحت تأثیر قرار دهد. از سوی دیگر، این تهدید بایستی نامشروع باشد.

شرایط بیان شده در فقه اگرچه تا حدودی با شرایط پیش گفته مطابقت می‌نماید، ولی تفاوت‌هایی هم در معیارهای تشخیص آن وجود دارد. با توجه به موضوع این مقاله این شرایط را با توجه به دیدگاه حضرت امام خمینی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳-۲-۱) تأثیرگذاری بر اراده شخص مخاطب

اکراه زمانی محقق می‌شود که تهدید در طرف مقابل اثر گذاشته باشد (علامه حلی بی تا: ۵۱). به عقیده فقها ملاک تشخیص اثرگذاری تهدید و وقوع اکراه «عرف» است (شهید ثانی ۱۴۱۰: ۲۰). در عین حال معیارهایی هم برای تشخیص اثرگذاری ارائه شده است.

مرحوم شیخ انصاری در مکاسب سه شرط را برای فعل تهدید آمیز ضروری می‌داند: نخست اینکه همراه با وعید و ترساندن باشد؛ دوم اینکه این ترساندن به گونه‌ای باشد که در صورت عمل نکردن به خواسته تهدید کننده، ظن تحقق این تهدید وجود داشته باشد و سوم اینکه نسبت به جان، مال یا عرض مکره و یا وابستگان وی زیان‌بار باشد (انصاری ۱۴۲۰ ج ۳: ۳۱۱). شروط بیان شده از جانب شیخ انصاری مبتنی بر تأثیرگذاری تهدید بر شخص مخاطب است؛ به عبارت دیگر، به عقیده ایشان بدون وجود این شرایط، تهدید، یک تهدید مؤثر که بتواند موجب اکراه تلقی شود به

حساب نمی‌آید. البته از سوی حضرت امام به این شروط ایراداتی وارد شده است که به بررسی آنها می‌پردازیم.

الف) همراه بودن با وعید: از جمله شرایط بیان شده از سوی مرحوم شیخ انصاری، اقتران فعل تهدید آمیز با توعید یا ترساندن است. مرحوم امام بر این شرط ایراد می‌نمایند که اقتران تهدید به توعید شرط لازم تحقق اکراه نیست، بلکه شرط کافی است. آنچه مهم است، این است که از تهدید، ترس و عدم امنیت حاصل شود. هر چند که امام هم این احتمال را مطرح می‌نمایند که ممکن است مقصود شیخ انصاری از «اقتران بتوعید» هم ایجاد ترس و عدم امنیت باشد (امام خمینی ۱۳۷۹: ۸۴).

بر مبنای دیدگاه امام خمینی، اکراه معنای موسع‌تری می‌یابد. با توجه به اینکه در حال حاضر، اکراه به معنای تهدید فیزیکی و یا حتی ترساندن و توعید هم کمتر دیده می‌شود و در مقابل تهدیدهای اقتصادی می‌تواند تأثیر به مراتب شدیدتری بر فرد داشته باشد، تحلیل حضرت امام از این شرط می‌تواند مورد استفاده بسیار قرار گیرد.

ب) ظن تحقق تهدید: به عقیده مرحوم شیخ انصاری تهدید بایستی به گونه‌ای باشد که «ظن عملی شدن تهدید» از سوی مکره وجود داشته باشد. معیار آن هم این است که مکره استقلال خود در تصرف را از دست بدهد، به نحوی که از روی طیب خاطر معامله را انجام ندهد؛ هر چند که اراده او به طور کامل سلب نشده و از روی اختیار و برای دفع ضرر و یا ترجیح ضرر کمتر معامله را انجام می‌دهد (انصاری ۱۴۲۰ ج ۳: ۳۱۲).

مرحوم امام بر این شرط نیز ایراد می‌نمایند که حصول ظن تحقق تهدید هم در ایجاد اکراه شرط نیست، بلکه مهم این است که بر مبنای یک احتمال عقلایی، ترسی برای انجام عمل مورد نظر حاصل شود و حتی در تهدیدهای مهم، صرف وجود احتمال، هر چند هم ضعیف باشد، کفایت می‌کند (امام خمینی ۱۳۷۹: ۸۴).

در هر حال آنچه از نظر مرحوم امام اهمیت دارد، این است که تهدید موجب ایجاد ترسی در مکره شود که این ترس وی را به انجام معامله وادار سازد.

ج) زیان‌بار بودن: چنانکه برخی شارحین مکاسب نیز بیان داشته‌اند، در وقوع اکراه وجود احتمال وقوع ضرری که نسبت به آن وعید داده شده است، شرط است (انصاری ۱۴۲۰ ج ۳: ۳۱۱؛ نائینی ۱۴۱۸ ج ۱: ۳۹۰).

حضرت امام این شرط را هم مورد ایراد قرار می‌دهند که مضر بودن تهدید که به حد حرج برسد، لازم نیست؛ بلکه مطلق احتمال ضرری که قابل توجه باشد، کافی است و حتی می‌توان گفت احتمال ورود زیان هم شرط نیست، بلکه تهدیدی که مانع نفعی شود که عادتاً حاصل می‌گردد، نیز برای تحقق اکراه کافی است (امام خمینی ۱۳۷۹: ۸۴).

در این مورد نیز نظر امام محدوده اکراه را گسترش می‌دهد و به مفهوم اکراه اقتصادی نزدیک می‌گردد. پذیرش تهدیدی که مانع به دست آمدن نفع عادتاً محتمل الحصول می‌گردد، به عنوان تهدید موجد اکراه، بسیاری از موارد اکراه اقتصادی را در بر می‌گیرد. در بیشتر مثالهای مربوط به اکراه اقتصادی که در بخش قبل بیان شد، تهدید مربوط به از دست دادن نفعی بود که موجبات حصول آن فراهم شده است. به عبارت دیگر، در شرایط امروز تهدید به تخریب مال یا تهدید جانی برای اکراه به انجام یک معامله کمتر رخ می‌دهد، ولی اکراه اقتصادی به عنوان مفهومی جدید، در ایجاد فشارهای اقتصادی برای انعقاد معاملات، بسیار دیده می‌شود.

۲-۲-۳) نامشروع بودن تهدید

بیشتر فقها عقیده دارند، در اکراه تهدید بایستی نامشروع باشد و لذا در اکراه به مال نیز تهدید مشروع موجب تحقق اکراه نخواهد بود. در نتیجه مواردی مثل تهدید مدیون برای فروش اموال برای پرداخت دیونش یا الزام حاکم به بیع اکراه تلقی نمی‌شود (شهید ثانی ۱۴۱۴ ج ۳: ۱۵۶).

برخی نویسندگان بر این عقیده‌اند که در حقوق ایران نیز از آنجا که تهدید به مال برای تحقق اکراه پذیرفته شده است، اگر فردی دیگری را تهدید به نقض قرارداد نماید، اکراه تحقق یافته است، ولی تهدید به نقض قرارداد اگر مشروع باشد، مانند تهدید به اعمال حق فسخ، موجب تحقق اکراه نمی‌باشد (حسن‌زاده ۱۳۸۵: ۸۵).

اگرچه تهدید مشروع اصولاً نبایستی منجر به تحقق اکراه گردد، ولی باید توجه داشت که بر اساس موازین فقهی و حقوقی ما، کسی نمی‌تواند اعمال حق مشروع خود را وسیله اضرار به دیگری قرار دهد. قاعده لاضرر به عنوان یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی که بر بسیاری از قواعد و احکام دیگر حکومت دارد، مبنای منع سوء استفاده از حق در فقه امامیه به شمار می‌رود (بهرامی احمدی ۱۳۷۷: ۲۹۲). قاعده منع سوء استفاده از حق در اصل چهلم قانون اساسی نیز بدین نحو

منعکس شده است: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد».

برخی حقوقدانان نظریه سوء استفاده از حق را چنین تعریف کرده‌اند: «مسئولیت صاحب حقی که به شیوه‌ای نامشروع آن را اجرا می‌کند و به منافع دیگران لطمه می‌زند» (کاتوزیان ۱۳۸۶: ۴۲۵).

نهایتاً چنین به نظر می‌رسد که حتی اکراه به وسیله تهدید به اعمال حق مشروع نیز اگر با قصد اضرار به غیر باشد، می‌تواند منجر به تحقق اکراه اقتصادی شود. البته در تشخیص قصد اضرار بایستی دقت شود، تا این امر مانع اعمال حقوق مشروع افراد نگردد.

نتیجه

بر اساس مطالب بیان شده می‌توان گفت اکراه اقتصادی نوعی از اکراه است که در آن تهدید به یک صدمه مالی عادتاً غیر قابل تحمل صورت می‌گیرد. در حقوق کامن لا و به ویژه حقوق انگلستان، مفهوم اکراه اقتصادی در تکامل رویه دادگاهها ایجاد شد، تا محدوده اکراه را این موارد نیز توسعه دهد.

بر خلاف حقوق انگلستان که اکراه به تهدید و خشونت فیزیکی منحصر می‌شود، در فقه امامیه تهدید به مال هم با وجود سایر شرایط، می‌تواند منجر به تحقق اکراه گردد. به عبارت دیگر، در فقه امامیه «اکراه بالمال» را که یکی از اقسام اکراه است، می‌توان معادل «اکراه اقتصادی» دانست. قانون مدنی ایران هم از همین نظر پیروی نموده و در ماده ۲۰۲، تهدید به مال را یکی از اقسام اکراه دانسته است.

بر مبنای نظر امام خمینی، اکراه به معنی عدم وجود رضای معاملی است. رضای معاملی در مقابل ابا و امتناع از انجام معامله قرار می‌گیرد و از این رو به خوبی از مفهوم طیب نفس که نوعی رضایت خاطر است، جدا می‌شود.

آرای امام خمینی در زمینه اکراه، که در مخالفت با نظر مرحوم شیخ انصاری بیان شده است، می‌تواند با گسترش محدوده اکراه، زمینه پذیرش بیشتر مفهوم اکراه اقتصادی در فقه را فراهم آورد. بر اساس دیدگاه حضرت امام خمینی برای وقوع اکراه وجود شرایط سه‌گانه‌ای که از سوی مرحوم شیخ انصاری مطرح شده است، لازم نمی‌باشد.

به عقیده ایشان آنچه در وقوع اکراه مهم است، این است که تهدید انجام شده موجب ایجاد عدم امنیت مالی یا جانی برای طرف مقابل گردد، و احتمال عقلایی برای تحقق این تهدید وجود داشته باشد. همچنین، بر اساس نظر حضرت امام، لازم نیست تهدید انجام شده، تهدید به ایجاد ضرر باشد، بلکه تهدید به جلوگیری از نفعی که شرایط حصول آن فراهم آمده، نیز می‌تواند اکراه تلقی گردد.

بنابر دیدگاه حضرت امام تمامی مواردی که در حقوق سایر کشورها تحت عنوان اکراه اقتصادی مطرح شده است، می‌تواند در قالب اکراه در فقه امامیه مورد توجه قرار گیرد.

منابع

- امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۷۹) *کتاب البیع*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج، چاپ اول.
- امامی، سید حسن. (۱۳۷۲) *حقوق مدنی*، تهران: کتابفروشی اسلامی، چاپ هشتم.
- انصاری، شیخ مرتضی. (۱۴۲۰) *کتاب المکاسب*، قم: مجمع الفکر الاسلامی، چاپ اول.
- انصاری، علی. (۱۳۷۸) *اکراه در اعمال حقوقی در حقوق ایران و مطالعه تطبیقی آن با حقوق فرانسه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و حقوق گرایش حقوق خصوصی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- بهرامی احمدی، حمید. (۱۳۷۷) *سوء استفاده از حق، مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و دیگر نظامهای حقوقی*، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ سوم.
- تبریزی، میرزا جواد. (بی تا) *ارشاد المطالب الی التعلیق علی المکاسب*، قم: مطبعه مهر ایران.
- جابری عربلو، محسن. (۱۳۶۲) *فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی*، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۷۲) *ترمیمولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش، چاپ ششم.
- _____ . (۱۳۷۲) *دایرة المعارف حقوق مدنی و تجارت*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- حسن‌زاده، حیدر. (۱۳۸۵) *بررسی تطبیقی اکراه و اعمال نفوذ ناروا در معاملات در حقوق ایران و انگلستان*، رساله دکتری حقوق خصوصی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- خمینی، سید مصطفی. (۱۴۱۸) *کتاب البیع*، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۳۸) *فرهنگ دهخدا*، دوره پنجاه جلدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی. (۱۴۱۰) *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، قم: انتشارات داودی، الطبعة الثانی.

- _____ . (۱۴۱۴) *مسائلک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام*، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، الطبعه الاولی.
- شهیدی، مهدی. (۱۳۷۷) *تشکیل قراردادها و تعهدات*، تهران: نشر حقوقدان، چاپ اول.
- صفایی، سید حسن. (۱۳۷۰) *حقوق خانواده*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف بن علی بن المطهر. (بی تا) *تحریر الاحکام*، مشهد: مؤسسه آل البیت.
- عمید، حسن. (۱۳۶۲) *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۳) *قواعد عمومی قراردادها*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم.
- _____ . (۱۳۸۶) *انزاهای خارج از قرارداد (ضمن قهری)*، مسئولیت مدنی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم.
- کوه کمری، سید محمد الحجه. (۱۴۰۹) *کتاب البیع*، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ دوم.
- گرجی، ابوالقاسم. (۱۳۵۸) «حقوق جزای عمومی اسلام»، *نشریه مؤسسه حقوق تطبیقی*، شماره ۶.
- محمصانی، صبحی. (۱۳۵۷) *قوانین الفقه الاسلامی*، ترجمه جمال الدین جمالی (محللاتی)، تهران: انتشارات پانزده خرداد.
- معلوف، لوئیس (۱۹۷۳) *المنجد فی اللغة و الاعلام*، لبنان، بیروت: دارالمشرق.
- نائینی، محمد حسن. (۱۴۱۸) *منیة الطالب فی شرح المکاسب*، تألیف شیخ موسی نجفی خوانساری، قم: مؤسسه النشر السلامی، الطبعه الاولی.
- نراقی، ملا احمد. (۱۴۱۸) *مستند الشیعه فی احکام الشریعه*، قم: مطبعه ستاره، الطبعه الاولی.
- Fontaine, M. ; Cavalerie R. et Hassenforder, J.A. (1996) *Dictionnaire de Droit*, Paris: Edition Foucher.
- Frey, Martina. (2001) *Essential of Contract Law*, London: West Thomson Learning .
- Garner, Bryan A. (2000) *Black's Law Dictionary*, Tehran: Dadgostar.
- Kennan, Denis. (2000) *Advanced Business Law*, London: Longman, 11th Edition.
- Richards, Paul H. (1999) *Law of Contract*, London: Financial Timet, 4th Edition.
- Ripert, Georges et Boulanger, Jean. (1957) *Traité de Droit Civil*, Paris, Tome II.
- Treitel, G.H. (1995) *The law of contract*, London: Sweet & Maxwell, 9th Edition.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.